

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

(سوما کاویانی)

۲۳ ستمبر، ۰۹



زندگی یعنی چه؟؟؟

ها... یعنی چه؟؟
زندگی یعنی من و تو سوار بر اسپ سفید آرزو
بالای ابر ها در پروازیم؟؟؟
نه...! - - -
عزیز من سوما؛ زندگی یعنی تراژیدی دردناک انسان



زندگی یعنی قتل عام انسانها
یعنی کشف قبر های دسته جمعی
یعنی کانتینر های آدم سوزی
سینه بریدن ها، به سر میخ زدنها
زندگی یعنی رقص، رقص، رقص، رقص
رقص مرده ها، تیل داغ کردن ها
قطع اعضای بدن
زندگی یعنی آخرین فریاد زندانی، زیر شکنجه
زندگی چیست هیچ میدانی؟؟؟
یعنی قدم های فرسوده مردی که در جستجوی کار است.
یعنی آبله های دستی کودکی که سنگ میشوند
که خشت میزند
زندگی میتواند چیز های قشنگی باشد
زندگی میتواند چیز های پلیدی باشد
قشنگ همچو شعله های امید در چشم یک کارگر
پلید همچو نگاهی عاری از عاطفه کارفرما
یا شاید چادر به خون آلوده ناهید
در انتظار درفش کاویانی!
یا شاید آخرین نگاه پر خواهش ندا
در جست و جوی آزادی!
زندگی یعنی قلب به خاک و خون غلتیده مینا
در انتظار آفتاب انقلاب!

* * * * *

زندگی چیست ؟

این را دنیای سرمایه تفهیم می کند:

زندگی یعنی ناله های غزه
فریاد کرکوک



شیون، کنرو و فراه و کندوز و لغمان

زندگی یعنی فریاد مادران بر لاش جگر گوشه های شان

زندگی یعنی بمباردمان ها

یعنی کشتار هزار ها هزار انسان

آری... - - -

هزاران فریاد

هزاران خواهش

هزاران هک هک خاموش گریه

هزاران ناله مدهم

زندگی یعنی انسانهای خسته

خسته از خود، خسته از بار مسئولیت خود

خسته از تلاش شب و روز عقب لقمه ای نان

زندگی یعنی کودکان فقیری که پارچه ای نان تازه تمنایشان است.

زندگی در زیر ابر سیاه امپریالیزم، شاید کنون سایه هایی از برزخ باشد. تگرگ و توفان و صاعقه باشد.

زندگی یعنی آخرین هک هک دخترکی که به زیر پاهای مردان خون خوار

بی عصمت می شود

مردان؟؟؟

نه... نه... نه... نه...



(این تو هین به مرد و مردانگیست

آنکه انسانیت را به زیر پا له میکنند مرد نیست، تا مرد است.

هیولایی سیه کار است)

زندگی را از نگاهی کودکی بنگر که در نشئه تریاک مدفون است.

لیک زندگی در پناه مذهب... - -

یعنی تجاوز بر عصمت جستجو گران راهی روشن آگاهی

یا... - - - -

صبر ، خاموشی ، بردباری

(تا آنکه خوبتر کوبیده شوی)

تا آنکه شلاق استبداد خرد و خمیرت کند.

تا آنکه فراموش کنی آزادی را

آری... - - زندگی یعنی سنگسار آینه ها. - زمینها... - -

یعنی شلاق شلاق شلاق

یعنی دیوار دیوار دیوار

یعنی سنگ سنگ سنگ

یعنی صدایی خفه در گلو

یعنی بیم یعنی هراس

یعنی سجده بر پای خدایان قدرت

(که اگر سجده دوم روا بود بر مرد بود)

یعنی: خدای دوم تو ای زن

زندگی یعنی : پرده، حجاب

یعنی : چادر و چاردیواری

یعنی چهره کبود از سیلی

یعنی درد کشیدن؛ تو هین شدن؛ تحقیر شدن

دمی بی غم نبودن و دم نزدن

یعنی بی پناهی خود را در نقابی از دود اجاق پنهان کردن

آه، ای امام ها که بر منبر سیاهی خواهشات شوم تان نشستید اید

ای روحانیون، مقدسین

ای آیه های صداقت و راستی

حقیقت شمارا دریافتیم... - - -



این گوهر نایاب شما را در یافتم
 حقیقت شما پایکوبی بالای نعش آزادی خواهان است
 و ایمان شما تجاوز به جوانان معصومی که صرف
 حق را خواسته اند، حقیقت را جسته اند و فردای روشن می خواهند
 شما بر منبر سیاه هوسهای شوم تان استاده اید، غلام شهوت حیوانی خود
 شلاق استبداد به دست دارید
 آرزوی تان پامال کردن گوهر نایاب انسانیت است
 و گفتار تان زوزه گفتار را ماند
 آه ای روحانیون که ضحاک زمانید
 بر زخ ساخته شما و دوزخ از آن شماست
 نجاست شما باکره گان تاریخ را از آرزویی بهشت واقعی باز نخواهد داشت
 آری بهشت واقعی
 دنیایی که در آن همه با هم برابرند و رفیق
 دنیایی که آفتاب سرخ آن جهان را روشن خواهد کرد
 آری ای عزیز من --
 زندگی یعنی با درد تو شریک شدن
 یعنی درد مشترک
 یعنی من و تو با هم برابر
 زندگی یعنی نیاز من و تو به برابری و برادری
 یعنی بر آوردن نیاز کودک فقیر
 یعنی تلاش ، تلاش ، تلاش
 زندگی یعنی لاوا فشانای آتشفشان
 زندگی یعنی بهمن ، یعنی کولاک ، یعنی طوفان
 زندگی یعنی جستجوی آتشین آفتاب
 زندگی یعنی ؛ انقلاب ، انقلاب ، انقلاب



من میدانم که آسمان هنوز از ما دور است
 دستم هنوز که هنوز است به آن نمی رسد
 اما...
 خواهش و تمنای من
 ((ریسمان عدالت است که با آن خائنین را بیا ویزم!))
 آه بگذار برای خوشی های هم همدیگر را دوست بداریم
 در زیر این آسمانی که در انتظار یک انقلاب است
 دل من که به اندازه یک شورش است، به آفتاب نیاز دارد
 من زیر ذرات آفتاب ترا به راهی پر دشوار
 که بسوی آسمان روشن فردا باز می شود پیوند داده ام.

